یادداشت

اصل مغفول مانده در مبارزه با فساد

سجاد رضایی

فساد و مبارزه با فساد امروزه از مباحثی است که در همه نشست‌های رسمی و غیررسمی چه در بین مردم کوچه و بازار و چه در بین برخی سیاستمدارانی که برخی از این فسادها از برنامه‌ها و تصمیمات آنها سرچشمه می‌گیرد، نقل محافل است. فساد در واقع هر نوع نقض قانون، بی‌قانونی و بی‌نظمی و هر آن چیزی است که خارج از چارچوب طبیعی خودش اتفاق بیفتد. اما بحث مبارزه با فساد به نوبه خود روش‌ها و راهکارهای خاص خود را دارد. اینکه چگونه جلوی فساد گرفته شود یا در صورت بروز در کمترین زمان شناسایی و برخورد صورت بگیرد هم در موضوع خودش جای بحث دارد. در این یادداشت قصد این قلم این است که از اصل مهم و مغفول مانده در مبارزه با فساد یعنی اصل نظارت همگانی یا به زبان ساده‌تر حضور مردم در صحنه مبارزه با فساد تصویری ارائه دهد.

تصور بسیاری از مردم در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیشتر درباره مسائل عبادی و شخصی است. مانند اینکه اگر شخصی در مسائل اخلاقی یا عبادی کاری را که دین و اخلاق بر عهده او گذاشته است انجام بدهد یا فلان کار را که دین و اخلاق و عرف منع کرده انجام ندهد.

در اینجا باید طبق قواعد امر به معروف و نهی از منکر به آن فرد تذکر داده شود. در حالی که قاعده امر به معروف و نهی از منکر یک قاعده کلی و عام است و می‌توان در همه زمینه‌ها از آن استفاده کرد.

به استناد ماده ۲ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب سال ۱۳۹۴ امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر تعریف شده است.

اصل ۸ قانون اساسی هم اشاره دارد به اینکه در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

همان‌گونه که مشخص است این اصل قانون اساسی به صراحت اشاره به این دارد که امر به معروف و نهی از منکر از حیطه شخصی خارج است و تمام شئون جامعه را دربر می‌گیرد. بر همین اساس اصل ۸ قانون اساسی همان‌طور که در بین عوام در کوچه و خیابان به امر به معروف و نهی از منکر شناخته شده است، در بین خواص و به ویژه حقوقدان‌ها به اصل نظارت همگانی یا نظارت مردمی مشهور است. در این اصل قانون اساسی به صراحت از امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم به دولت اشاره می‌کند که این خود بیانگر نظارت پیشینی و نظارت پسینی در قبال امور حکمرانی به ویژه در بحث مبارزه با فساد می‌باشد.

همچنین ماده ۴ قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر اشاره به این موضوع دارد که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی تنها وظیفه دولت است.

در ماده ۸ قانون فوق‌الذکر، مردم از حق امر به معروف و نهی از منکر درباره عملکرد دولت برخوردار هستند. در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات و مسئولان و مدیران و کارکنان و تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه گانه امر به معروف و نهی از منکر کنند. از آنجا که در امور کشوری به دلایل مختلفی در همه ادوار فساد در بین مسئولان بوده و هیچ‌گاه به صفر نرسیده است و از آنجا که مبارزه دولتی صرف در امر مبارزه با فساد نیز دارای نقاط ضعف خود است، چه بسا سازمان‌های دولتی مربوطه در امر مبارزه با فساد خود نیز گرفتار شوند. در اینجا می‌توان با استناد به قوانین جاری به‌ویژه اصل ۸ قانون اساسی یا همان نظارت مردمی و همگانی در کنار سازمان‌های مسئول دولتی در امر مبارزه با فساد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و به ویژه تشکل‌های و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرد.

جالب اینکه ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ شکایت از طرف سازمان‌های مردم‌نهاد در برخی امور را به رسمیت شناخته است. البته با برخی تغییرات در این نوع قوانین و اجازه دادن برای پیگیری همه‌جانبه در همه زمینه‌ها با حضور مردم در سازمان‌های مردم‌نهاد، مردم به طور غیرمستقیم می‌توانند در امر نظارت پیشینی و نظارت پسینی حضور فعال داشته باشند.

همچنین به استناد ماده ۱۴ قانون آمران به معروف، سازمان‌های مردم‌نهاد که اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده است می‌توانند مطابق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اقدام کنند. همچنین در تبصره یک ماده ماده ۱۶ قانون آمران به معروف اشاره می‌کند به اینکه وزارت کشور پس از کسب نظر مشورتی ستاد، نسبت به صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر قصد فعالیت دارند اقدام می‌نمایند.

ضمن اینکه در بند پ ماده ۳۸ قانون اجرای احکام دائمی برنامه توسعه کشور اشاره دارد که سازمان‌های مردم‌نهادی می‌توانند از ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح مجوز داشته باشند.

از سوی دیگر به استناد ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاحیه ۱۳۹۳ سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند در مواردی در بهره‌گیری از توان تشکل‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و اشخاص واجد شرایط در بخش‌های علمی، تخصصی، صنفی و مردمی به منظور انجام وظایف محوله اقدام کند.

همچنین به استناد فصل پنجم و ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۵ که به نظارت همگانی اشاره دارد در اجرای بند الف ماده ۱۱ قانون سازمان بازرسی، سازمان می‌تواند از ظرفیت تشکل‌های غیردولتی و اشخاص واجد شرایط در حدود اختیارات قانونی به صورت کسب اخبار و اطلاعات گزارش آسیب‌شناسی و موضوع‌یابی استفاده کند. در بند الف این ماده به ایجاد سامانه‌های مناسب برای دریافت اطلاعات و اخبار اشاره می‌کند و در بند ب هم به ایجاد واحدی به منظور شناسایی و به‌کارگیری اشخاص و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های غیردولتی واجد شرایط در بخش‌های علمی تخصصی صنفی و مردمی و نیز تشکیل بانک اطلاعاتی در این زمینه تأکید دارد. همان‌گونه که اشاره شد در قوانین کشور چه در قانون اساسی اصل ۸ و چه در قوانین پایین‌دست به صراحت از حضور مردم البته به شکل رسمی و کارآمد در مباحث سیاسی اجتماعی و غیره می‌توان بهره گرفت. در قانون سازمان بازرسی کل کشور هم به صراحت به سازمان‌های مردم‌نهاد در امر مبارزه با فساد البته به شکل حصری و محدود اشاره شده است. البته با ایجاد ظرفیت‌های لازم برای مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و با استناد به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان از حضور مردم در امر مبارزه با فساد چه در مرحله نظارت پیشینی و چه در نظارت پسینی به بهترین شکل ممکن استفاده کرد.

ناگفته نماند این مواد قانون برای نتایج بهتر نیاز به اصلاحاتی دارند تا با استفاده از حضور مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در امر مبارزه با انواع فساد بتوان بهره بهتری برد.

گزارش

ساوالان محمدزاده*

زور در لباس قانون

تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه ایران به مثابه جنایت علیه بشریت است

تحریم‌های اعمالی ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف حقوق بین‌الملل می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد و یکی از این ابعاد که در بطن حقوق بین‌الملل کیفری جای دارد، موضوع جنایات علیه بشریت است. اهمیت بررسی این مطلب از آنجاست که با اثبات آن می‌توان برای مرتکبان این جنایت، مسئولیت کیفری قائل شده و آنان را مجازات کرد.

جنایت علیه بشریت سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد. موضوع این جنایات پس از انعقاد معاهده ورسای در پایان جنگ جهانی اول مطرح شد اما می‌توان گفت دادگاه نورنبرگ اولین گام در تعیین چگونگی و کیفیت این نوع جنایات به شمار می‌رود که در بند «ج» ماده ۶ اساسنامه‌اش به این موضوع پرداخته است. همچنین ماده ۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا و ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز به جنایات علیه بشریت اختصاص دارند.

در نهایت و با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) در سال ۱۹۹۸ جنایت علیه بشریت به عنوان یکی از چهار جنایات بین‌المللی در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفت و ماده ۷ اساسنامه رم هم به آن اختصاص یافت.

با عنایت به بند یک ماده ۷، می‌توان شرایطی از جمله «گسترده» یا «سازمان‌یافته» بودن حمله (منظور از حمله لزوماً حمله نظامی نمی‌باشد)، «بر ضد یک جمعیت غیرنظامی بودن» حمله و همچنین «علم به حمله» را برای وقوع جنایت علیه بشریت لازم و بااهمیت دانست.

همچنین با توجه به بند ۲ این ماده می‌توان شرط دیگری که عبارت است از «در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان» را نیز احراز کرد.

پیرامون هر یک از شرایط پیش گفته محتمل است سؤال و ابهاماتی وجود دارد و بدین جهت تبیین هریک از این موارد برای تطبیق هرچه بهتر تحریم‌های اعمالی با این شروط، به جهت احراز یا عدم احراز وقوع جنایت علیه بشریت ضروری به نظر می‌رسد.

تأکید حقوقدان‌ها بر تعرض بودن تحریم‌ها

منظور از «گسترده‌بودن» آن است که حمله باید به طور وسیع و بر ضد عده قابل توجهی از مردم غیرنظامی انجام شود؛ لذا جنایاتی که در اثر اعمال پراکنده ارتکاب یابند، نمی‌توانند جنایات بر ضدبشریت ملحوظ شوند.

در خصوص «سازمان‌یافته بودن» حمله و اینکه منظور و مراد از این عبارت چیست می‌توان گفت که معیار یک حمله «نظام‌مند» به «طبیعت سازمان‌یافته اقدامات خشونت‌بار و بعید بودن احتمال رخداد تصادفی آن» اشاره دارد. همچنین با اندکی دقت نظر در بند یک ماده ۷ اساسنامه رم و با توجه به اینکه عبارت گسترده‌بودن یا سازمان‌یافته بودن به کار گرفته شده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تنها کافی است یکی از معیارهای گسترده‌بودن و سازمان‌یافته بودن وجود داشته باشد و در واقع این معیارها ماهیت تکمیلی ندارند؛ هرچند در عمل و به‌طور کلی هر دو معیار لحاظ شده‌اند.

مطابق با این مسئله، تحریم‌های اعمالی امریکا علیه ایران نیز می‌بایست حداقل یکی از دو حالت گسترده بودن یا سازمان‌یافته بودن را دارا باشد. با عنایت به این نکته، بسیاری از حقوقدانان معتقدند که تحریم‌های امریکا علیه ایران در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی به مثابه یک تعرض علیه جمعیت غیرنظامی هم گسترده‌اند و هم برنامه‌ریزی شده.

شیوه‌های قانونی اعمال زور

جرایم علیه بشریت هم می‌توانند در زمان صلح و هم در زمان یک مخاصمه مسلحانه به وقوع بپیوندند و به عبارتی اقداماتی که مشمول جرایم عنوان‌شده طبق ماده ۷ اساسنامه رم هستند، به هر دو حوزه حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی مربوط می‌شوند. بنابراین هنگامی که سخن از غیرنظامی بودن جمعیت به میان می‌آید، این موضوع را می‌بایست با در نظر داشتن اینکه زمان صلح است یا جنگ، مورد بررسی قرار داد.

هنگامی که درگیری مسلحانه وجود نداشته باشد و صلح و آرامش به طور نسبی برقرار باشد، غیرنظامی بودن شامل کلیه افراد می‌شود، به جز کسانی که وظیفه حفظ نظم عمومی را به عهده دارند و از شیوه‌های قانونی و مشروع اعمال زور برخوردارند.

این در حالی است که بحث از نظامی بودن یا نبودن در زمان وجود مخاصمه و حالت جنگی مقداری متفاوت جلوه می‌کند و ممکن است اشخاصی در عین نظامی بودن، در قبال جنایات علیه بشریت مورد حمایت قرار گیرند.

> از نظر بسیاری از حقوقدانان تحریم‌های ظالمانه امریکا علیه ایران، جنایت علیه بشریت است و در دادگاه‌های بین‌المللی قابل بررسی است

در زمان مخاصمه منظور از جمعیت غیرنظامی افرادی است که نظامی نبوده یا اگر نظامی هستند، در مخاصمه مسلحانه مشارکت ندارند.

همچنین، اصطلاح جمعیت غیرنظامی در بطن ماده ۷ اساسنامه رم، اشاره دارد بر حمایت از هر جمعیت غیرنظامی فارغ از ملیت، قومیت، نژاد یا هر ویژگی متمایزکننده دیگری. پیرامون تحریم‌های اعمالی امریکا علیه ایران با توجه به اینکه بین این دو دولت هیچ مخاصمه‌ای وجود ندارد، لذا می‌بایست وضعیت غیرنظامی بودن یا نبودن را با توجه به وجود حالت صلح بررسی کرد.

داشتن علم به حمله

همان‌طور که ذکر شد، یکی دیگر از شرایط مهم برای احراز وقوع جنایت علیه بشریت، «علم به حمله» می‌باشد. بدین معنی که حتی اگر اعمال مصرح در بند یک ماده ۷ اساسنامه در چارچوب یک حمله گسترده و یا سازمان‌یافته و علیه یک جمعیت غیرنظامی و متعاقب سیاست یک دولت یا سازمان به‌وقوع بپیوندد اما مرتکب علم به آن حمله نداشته باشد، نمی‌توان مدعی جنایتی علیه بشریت شد.

شایان ذکر است در تعریف جنایات علیه بشریت، هیچ اشاره‌ای به انگیزه مرتکب نشده است. البته نبود ضرورت انگیزه به این معنا نیست که در تعقیب جنایات علیه بشریت هرگز به انگیزه توجه نمی‌شود، بلکه وجود انگیزه در متهم، ملاکی برای سنجش جرم اوست. همان‌طور که فقدان انگیزه ممکن است باعث ایجاد شک و تردید در بی‌گناهی او شود.

سیاستی در کار است

حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی در صورت وجود علم به آن حمله، زمانی منجر به وقوع جنایتی علیه بشریت خواهد شد که در تعقیب و پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان در انجام چنین حمله‌ای صورت پذیرد.

در این خصوص دو شرط گسترده بودن و سازمان‌یافته بودن غیرتکمیلی هستند. در نتیجه وجود عنصر سیاست بر هر یک از این شروط بار می‌شود و یک حمله‌ای چه گسترده باشد و چه سازمان‌یافته، می‌بایست در هر مورد متعاقب سیاست‌های یک دولت یا سازمان باشد.

در مورد احراز عنصر سیاست می‌توان چنین تفسیر کرد که به هر حال سازمان‌یافتگی (و نیز گستردگی) حمله می‌تواند سیاست ارتکاب چنین اعمالی را نشان دهد و حوادثی هم که ممکن است از طریق وجود آنها چنین سیاستی را مشخص کرد عبارتند از: اوضاع و احوال کلی، تاریخی، محتوای کلی برنامه سیاسی چنان که در نوشته‌ها و سخنان مقامات دیده می‌شود، تبلیغات رسانه‌ای و غیره.

حتی می‌توان گفت حمله‌ای که طراحی و هدایت و سازماندهی شده است (برخلاف حملات خودجوش و پراکنده)، معیار وجود عنصر سیاست را احراز خواهد کرد. از این رو می‌توان گفت عنصر سیاست می‌تواند با توجه به طریقی که اقدامات اتفاق می‌افتند، استنباط شده و نیازی نیست که چنین سیاستی رسمیت پیدا کرده باشد.

مخصوصاً اگر اقدامات به‌طور گسترده و سازمان‌یافته باشند، مبیّن این خواهد بود که سیاستی پشت ارتکاب چنین اقداماتی وجود داشته است. خواه این سیاست به‌طور رسمی بیان شده و خواه نشده باشد. در مورد تحریم‌های اعمالی امریکا نیز اگر چنانچه گستردگی یا سازمان‌یافتگی آن را احراز نماییم، به نظر می‌رسد دیگر نیازی به ابراز رسمی برای اثبات وجود عنصر سیاست نخواهیم داشت.

مغرضان کار را به دیوان کیفری بین‌المللی کشانده‌اند

به‌طور کلی هرچند از دیدگاه برخی حقوقدانان تحریم‌های اعمالی علیه جمعیت ایران می‌تواند جنایت علیه بشریت قلمداد شود اما در مقابل طرفداران تحریم در غرب هم معتقدند با اینکه در تحریم‌های اعمالی از سوی امریکا، عمده جمعیت غیرنظامی ایران در معرض فشار قابل ملاحظه ناشی از تحریم قرار گرفته‌اند، قرینه‌ای دال بر احراز نیت ضدیت با جمعیت غیرنظامی که ناشی از سیاست این کشور باشد ملاحظه نمی‌شود! بنابراین، فارغ از تئوری‌پردازی صورت گرفته در مرحله نخست به‌سختی می‌توان از تحریم به عنوان جنایت علیه بشریت یاد کرد!

این مغرضان پیرامون جنایت علیه بشریت بودن تحریم‌های اعمالی امریکا علیه مردم ایران اختلاف نظر جدی ایجاد کرده‌اند و معتقدند به راحتی نمی‌توان آن را حائز شرایط چنین جنایتی دانست!

به‌نظر می‌رسد در کل در خصوص این مسئله باید در انتظار موضع دیوان کیفری بین‌المللی در آینده بود. در این ارتباط دولت ونزوئلا به‌صورت مستقل قضیه تحریم‌های امریکا علیه این کشور را به عنوان جنایت علیه بشریت به دادستانی دیوان ارجاع داده است. این اتفاق خوبی است که هم‌اکنون در حال ارزیابی مقدماتی بوده و تصمیم دیوان در این باره می‌تواند راهنمای مناسبی برای سایر دولت‌های تحت تحریم‌های یک‌جانبه از جمله ایران باشد.

***دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری**

دیده‌بان

نظارت بر اداره با ابزار حقوقی

کتاب حقوق اداری یک، تألیف مشترک دکتر مسلم آقایی طوق استادیار سابق دانشگاه علوم قضایی و دکتر حسن لطفی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری است که بهمن ۹۸ روانه بازار شد.

حقوق اداری را می‌توان حقوق مدنی- حقوق عمومی دانست. همان طور که حقوق مدنی روابط خصوصی میان افراد عادی را تنظیم می‌کند، حقوق اداری نیز به تنظیم روابط عمومی میان اشخاص با یکدیگر می‌پردازد.

در حقوق مدنی از شخصیت، اموال و مالکیت، تعهدات قراردادی و انواع قراردادها همچون بیع و اجاره و نیز مسئولیت مدنی سخن گفته می‌شود. در حقوق اداری نیز در حد امکان، متناظر با همین مباحث از اشخاص حقوق عمومی، اموال عمومی و دولتی، قراردادهای اداری از جمله استخدام و مناقصات و نیز مسئولیت دولت صحبت می‌شود. همان نظمی که در ذهن حقوقدانان و حقوق‌خوانده‌ها درباره مسائل حقوق مدنی وجود دارد، در اصل درباره مباحث حقوق اداری نیز باید وجود داشته باشد.

کتابی برای ترغیب دانشجویان

این کتاب توسط این دو نویسنده و استاد با هدف بیشتر کردن جذابیت حقوق اداری برای دانشجویان تألیف شده است، چراکه آنان معتقدند در کشور اهمیت درس حقوق اداری برای نظام اداری و در نهایت برای ارتقای زندگی اجتماعی کمتر از سایر دروسی که ساعات تدریس آنها بیشتر است، نیست.

به همین خاطر نویسندگان با ظرافت خاصی برخی از اطلاعات درون جداول را افزوده‌اند و نیز برخی پرسش‌ها و ابهام‌ها در حاشیه و متن در راستای این هدف و برای ترغیب دانشجویان برای جست‌وجو و تأمل بیشتر طرح کرده‌اند.

نویسندگان بنا بر تجربه خود ساختار گنگ و نامفهوم مطالب حقوق اداری را یکی از عواملی می‌دانستند که باعث می‌شد این درس جذابیت خود را نزد دانشجویان حقوق از دست بدهد. در نتیجه مطالب این کتاب را با ساختاری منظم تدوین کردند که در هفت بخش به تمامی مباحث عمده‌ای که در دوره کارشناسی باید به دانشجویان ارائه شود پرداخته شود. این هفت بخش عبارتند از:

۱- مفاهیم کلی (شامل مفهوم حقوق اداری و منابع آن) ۲-اشخاص حقوق عمومی و سازمان اداری کشور ۳-اهداف اداره (شامل مباحث مربوط به خدمات عمومی و پلیس اداری) ۴-اعمال اداری (شامل اعمال اداری یک‌طرفه و دو یا چندطرفه) ۵-ابزارهای اداره (استخدام عمومی، اموال عمومی و دولتی) ۶-مسئولیت دولت ۷-نظارت بر اداره.

در ارتباط با فهرست و ساختار کتاب، نویسندگان اثر حاضر بر این اعتقاد هستند که نگاشتن درباره حقوق اداری نظام جمهوری اسلامی ایران خود به خود به معنای نگاشتن درباره حقوق اداری اسلامی است.

در حقیقت، نگاه به حقوق اداری اسلامی یک نگاه صرفاً تاریخی نبوده و بلکه معتقدند بررسی همین نظام موجود در حقیقت به معنای بررسی حقوق اداری یک نظام اسلامی است. به هر حال، حتی اگر مبنای طراحان سرفصل مبنی بر تمایز نظام حقوق اداری اسلام از نظام حقوق اداری جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شود، پذیرفتن این مطلب که حداکثر طی ۱۶ جلسه می‌توان هر دو نظام حقوق اداری را تدریس کرد بسیار سخت است.

۳ زبان خارجی در یک کتاب

با عنایت به این موضوع که حقوق اداری ایران به خانواده حقوق اداری قاره‌ای نزدیک‌تر است، در این کتاب تلاش شده در حد امکان، معادل اصطلاحات به کار برده شده به ترتیب به سه زبان فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی در پاورقی ذکر شود.

علاوه بر این، در پاورقی‌ها مهم‌ترین منابع مربوط به بحث مورد اشاره واقع شده تا دانشجویان با منابع بزرگ حقوق اداری نیز چه در ایران و چه در خارج از کشور آشنا شوند. البته در این میان منابع انگلیسی مورد توجه واقع نشده است، چراکه تفاوت‌های بنیادین نظری میان نظام‌های وابسته به حقوق اداری قاره‌ای و نظام‌های حقوق اداری انگلوساکسونی نیازمند توجه و احتیاط بیشتری است و به همین خاطر در سطوح بالاتر باید مورد توجه قرار گیرد.

در سرتاسر کتاب، جداولی با عناوین مختلف به شرح زیر گنجانده شده است:

۱- تأمل بیشتر ۲- بحث بیشتر ۳- بیشتر بدانیم ۴- پرس و جو ۵- آشنایی با طرح‌ها و لوایح ۶- نگاهی به رویه قضایی که تمامی این قسمت‌ها به منظور ترغیب دانشجویان و تأمل بیشتر در آنان تدوین شده است.

این کتاب در تمامی کتابفروشی‌ها و سایت‌های معتبر با قیمت ۷۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. راه ارتباطی نویسندگان این کتاب با مخاطبان هم از طریق رایانامه moslemtog@yahoo.com است.